

وب سایت استاد موسوی



تاریخ روز : ۲۹ / ۱۲ / ۱۳۹۸

تاریخ ثبت : ۲۱ خرداد ۱۳۹۵

عنوان : مبدأ از دید آگوست کنت

«بسمه تعالی»

مبدأ از دید آگوست کنت

در این گفتار قصد داریم به شناخت مبدأ (واجب الوجود که جهان هستی از فرمان اوست) از گذر «آگوست کنت» بپردازیم.

«آگوست کنت» فیلسوف فرانسوی قرن نوزدهم میلادی که به عنوان واضع نام جامعه‌شناسی (Sociology) و بنیان‌گذار جامعه‌شناسی نوین و دکترین پوزیتیویسم شناخته شده‌است. کنت با اعتقادِ راسخ به فلسفه اثبات‌گرایی پوزیتیویسم (positivism) معتقد بود باید برای علوم انسانی نیز حیثیتی مشابه علوم تجربی قائل شد. به این معنی که علوم انسانی نیز باید از ابزار پژوهش تجربی استفاده کند. کنت بر این باور بود که جوامع انسانی از سه مرحله الهی، فلسفی و علمی عبور کرده‌اند. در جوامع اساطیری، کاهنان رهبران جامعه به‌شمار می‌روند، در جوامع الهی که تبلور تاریخی آن قرون وسطی است پیامبران و در عصر رنسانس و پس از آن فیلسوفان. اما در دوره کنونی (عصر علمی) دانشمندان و جامعه‌شناسان رهبران جامعه خواهند بود.

او و چند تن دیگر که سالها بعد از او می‌خواستند نیروی عقل را از بشر بردارند و تجربه و حس را جایگزین آن کنند برآن بود علوم تجربی را جانشین هر نوع تخیل و تعقلی کند که مبنی بر مشاهده و تجربه نباشد، اما چیزی نگذشت که خود مقرر و معترف گشت توانش در این زمینه به ضعف گراییده است.

به این صورت که در سال‌های آخر عمرش بر اصول فلسفی خود از گذر تجربی عرفانی بنا نهاد و بر همان بنیاد، دیانتی جدید به نام دین انسانیت بنا کرد و آن را انسانیت انسان نامید و معبدی بنا نمود و عباداتی را نیز مقرر داشت که از نظر اهل علم، عجیب بود. او برآن بود باید مکتبی نو ساخت که بر پایه عرفان به مبدأ باشد تا دل و تفکر بشریت زیر یوغ انسانیت قرار گیرد. لذا کنت به این اعتقاد رسید: «هر کس مبدأ را بشناسد، بین او و مبدأ ارتباط مستقیم برقرار می‌شود»؛ همچنین، مبدأ از خود انسان به انسان نزدیکتر است اما این گفته‌ها تا چه حد از جان، لب یا از عقیده او برخاسته ندانیم! قدرمسلم او دین را به‌طور کلی طرد نمی‌کند ولی به نظر او دین عصر اثباتی هم باید متناسب با عصر خود باشد، نتیجه‌ای که کنت به آن می‌رسد این است که بنابر نظریه قانون حالات سه‌گانه عصر دینی پایان یافته‌است، اما از طرفی، باید چیزی معادل دین در هر جامعه‌ای وجود داشته باشد زیرا حیات جامعه به پذیرش دین وابسته است اما دین جامعه اثباتی باید متناسب با آن باشد و این است که مذهب انسانیت را پایه‌گذاری می‌کند و معتقد است این مذهب را که ما بنا می‌کنیم مذهب انسانیت است. بنابر مذهب انسانیت، باید انسانیت اساسی را که مردان بزرگ، مظهر و نماد آن هستند دوست داشته باشیم زیرا چنان زندگی کردند که اثری با سرمشقی از خود بر جای گذاشته‌اند. بنابراین وجود بزرگ، وجود مردان بزرگ است که به ملت و قبیله خاص تعلق ندارد. دین انسانیت، بعدها با تعابیر مختلفی در میان عوام رواج یافت و انتقاداتی را نیز در پی داشته و دارد.

قابل توجه اینکه بیان این مطلب برای گسترده‌گی تفکر و آشنایی خوانندگان با دیدگاه‌های مختلف در حوزه توحید است نه اینکه از هر جهت قابل پذیرش باشد.

اما به راستی آیا تا به حال از خود پرسیده‌اید: شناخت مبدأ چیست و چگونه حاصل می‌شود؟

بدانید برای ربط به مبدأ از گذر عرفان، زیباترین و ناب‌ترین انسانها بزرگمردانی همچون حضرت صدرالدین شیرازی ملقب به ملاصدرا(اعلی‌...مقامه) هستند که در گوشه گوشه‌های جهان بی نام و نشان در اوج عشقی سوزان، در لحظه و آنی و در خلوت جانی، با نوایی به ظاهر بینوا اما به واقع خروشان، با نوک قلم، بر صفحه‌ای خموش و تسلیم، یا با خیزش نیروی کلام علم حکمت را که لازمه شناخت مبدأ است بر دلی مستعد فروریخته و خواهند ریخت.

منبع: برگرفته از تدریس و تحقیقات استاد سیدعلی موسوی ذیل رساله واجب الوجود بارقه (2)